

الحمد لله
البرحمين



دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

(برنامه ریزی درسی)

عنوان:

رابطه هوش معنوی با خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد

دانشگاه بیرجند

استاد راهنما:

دکتر اسداله زنگویی

استاد مشاور:

دکتر محسن آیتی

نگارش:

نعمت اله باغبان مقدم

تیر - ۱۳۹۱

حق چاپ این اثر محفوظ است.

کلیه حقوق این اثر متعلق به دانشگاه بیرجند می باشد. این اثر نباید بدون اجازه‌ی دانشگاه
بیرجند ذخیره، ترجمه یا به صورت جداگانه منتشر شود.

استفاده از این اثر با ذکر منبع بلامانع است.

و بعد از مدت ها، پس از نیمه سمدون راه های فراوان که با حضور شیرین و نگاه های مادرم، و زیبایی حضور خانواده ام در کنارم، با چشم های پر از برق شوق که محسوس می شد این راه را به امید و روشنی راه تبدیل کرده و امیدوارم بتوانم در آینده ای نزدیک جوایز کبکوی این همه محبت آنها باشم.....

اکنون، با احترام فراوان برای این همه تلاش این عزیزان برای موفقیت من..... این پایان نامه را به خانواده ام به خصوص مادرم، تقدیم می کنم و امیدوارم قادر به درک زیبایی های وجودشان باشم.

تقدیر و شکر

پاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌های او ندانند و کوشندگان، حق او را
گزاردن نتوانند و سلام و درود بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان و مدار وجودشان
است، و نفرین پیوسته بردشمنان ایشان تا روز رستاخیز...

اکنون که به یاری خداوند متعال تدوین و نگارش این رساله به پایان رسیده است بر خود واجب می‌دانم که از استاد
ارجمند جناب آقای دکتر اسدالله زنگویی که در این مسیر راهواره مشوق و راه‌نما بوده‌اند و استاد بزرگوار جناب آقای
دکتر محسن آیتی که با نظرات ارزنده خود مرایار و یاور بوده‌اند سپاسگزاری نمایم. همچنین از خانم‌ها، خانم ناصری و
خانم مهربانی که در بخش پرسش‌نامه‌های این تحقیق مرایاری نموده‌اند کمال شکر را دارم.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش معنوی با خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند انجام شده است. این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است و جامعه آماری ۱۰۹۳ نفر از دانشجویان دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند می‌باشد که تعداد ۲۸۸ نفر از این جامعه به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها دو پرسشنامه هوش معنوی کینگ که روایی محتوایی آن قبلاً توسط سازندگان آن تأیید شده بود و پایایی آن نیز ۰/۹۰. گزارش شده و پرسشنامه دوم پرسشنامه خودتنظیمی بوفارد و همکاران بود که آلفای آن ۰/۷۲. گزارش شده و برای سنجش عملکرد تحصیلی معدل کل دانشجویان مدنظر قرار گرفت. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین هوش معنوی و خودتنظیمی، بین هوش معنوی و بعد شناخت، بین هوش معنوی و بعد فراشناخت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، اما بین هوش معنوی و عملکرد تحصیلی رابطه معنادار نبود.

واژگان کلیدی: هوش، هوش معنوی، خودتنظیمی، عملکرد تحصیلی، دانشجویان، کارشناسی ارشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات تحقیق
ث.....	چکیده
ح.....	واژگان کلیدی:
خ.....	فصل اول: کلیات تحقیق
ز.....	فهرست جداول
۲.....	۱-۱ مقدمه
۲.....	۲-۱ بیان مسأله
۶.....	۳-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق
۷.....	۴-۱ اهداف
۷.....	۱-۴-۱ هدف اصلی
۷.....	۱-۴-۲-۲ اهداف فرعی
۷.....	۵-۱ فرضیات
۷.....	۱-۵-۱ فرضیات اصلی
۷.....	۲-۵-۱ فرضیه‌های فرعی
۸.....	۶-۱ تعریف متغیرهای پژوهش
۸.....	۱-۶-۱ تعاریف نظری
۸.....	۲-۶-۱ تعاریف عملیاتی
	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش
۱۰.....	۱-۲ مبانی نظری پژوهش

- ۲-۲ مقدمه ۱۰
- ۳-۲ عملکرد تحصیلی ۱۱
- ۱-۳-۲ تحقیقات انجام شده در زمینه عملکرد تحصیلی ۱۲
- ۱-۱-۳-۲ تحقیقات انجام شده در ارتباط با عملکرد تحصیلی ۱۲
- ۱-۲-۳-۲ تحقیقات مربوط به عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر عملکرد تحصیلی ۱۳
- ۴-۲ مفهوم خود ۱۳
- ۵-۲ خودتنظیمی ۱۵
- ۱-۵-۲ تعریف یادگیری خودتنظیمی ۱۷
- ۲-۵-۲ نظریه‌های خودتنظیمی در یادگیری ۱۸
- ۱-۲-۵-۲ نظریه زیمرمان ۱۸
- ۲-۲-۵-۲ نظریه کارور و شیر ۱۸
- ۳-۲-۵-۲ نظریه پینتریچ ۱۹
- ۳-۵-۲ ضرورت آموزش خودتنظیمی در محیط‌های آموزشی ۲۰
- ۴-۵-۲ تحقیقات انجام شده در زمینه خودتنظیمی ۲۱
- ۱-۴-۵-۲ تحقیقات مربوط به ارتباط خودتنظیمی با متغیرهای مختلف ۲۱
- ۲-۴-۵-۲ تحقیقات مربوط به عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر خودتنظیمی ۲۲
- ۶-۲ مفهوم هوش ۲۳
- ۷-۲ مفهوم هوش‌بهر ۲۴
- ۸-۲ انواع هوش ۲۵
- ۱-۸-۲ هوش از نظر گاردنر ۲۵
- ۲-۸-۲ طبقه‌بندی هوش از نظر گاردنر ۲۵
- ۹-۲ معنویت ۲۷

۲۹	۱۰-۲ هوش معنوی
۲۹	۱-۱۰-۲ تاریخچه هوش معنوی
۲۹	۲-۱۰-۲ تعاریف مختلف هوش معنوی
۳۲	۳-۱۰-۲ ویژگی‌های هوش معنوی
۳۴	۴-۱۰-۲ ابعاد هوش معنوی
۳۶	۵-۱۰-۲ مهارت‌های هوش معنوی
۳۶	۶-۱۰-۲ هوش معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلام
۳۷	۷-۱۰-۲ نقش عصب‌شناسی در هوش معنوی
۳۷	۸-۱۰-۲ هوش معنوی در محیط‌های آموزشی
۴۰	۹-۱۰-۲ تحقیقات انجام شده در زمینه هوش معنوی
۴۰	۱-۹-۱۰-۲ تحقیقات مربوط به ارتباط هوش معنوی با متغیرهای مختلف
۴۱	۲-۹-۱۰-۲ تحقیقات مربوط به عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر هوش معنوی
۴۳	۱۱-۲ نتیجه‌گیری

فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش

۴۴	۱-۳ مقدمه
۴۴	۲-۳ روش پژوهش
۴۴	۳-۳ جامعه آماری
۴۴	۴-۳ نمونه و روش نمونه‌گیری
۴۴	۵-۳ پایایی و روایی ابزار پژوهش
۴۶	۶-۳ روش جمع‌آوری داده‌ها
۴۶	۷-۳ روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات

فصل چهارم یافته‌های پژوهش

۴۸ ۱-۴ مقدمه
۴۸ ۲-۴ تحلیل توصیفی
۴۸ ۳-۴ اطلاعات جمعیت‌شناسی
۴۹ ۴-۴ یافته‌های استنباطی پژوهش
۵۰ ۱-۴-۴ فرضیه اول
۵۰ ۲-۴-۴ فرضیه دوم
۵۰ ۳-۴-۴ فرضیه سوم
۵۱ ۴-۴-۴ فرضیه چهارم
۵۱ ۵-۴-۴ فرضیه پنجم
۵۲ ۶-۴-۴ فرضیه ششم
۵۵ ۷-۴-۴ فرضیه هفتم
۵۶ ۸-۴-۴ فرضیه هشتم
۵۷ ۹-۴-۴ فرضیه نهم
۵۷ ۱۰-۴-۴ فرضیه دهم

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

۶۳ ۱-۵ مقدمه
۶۳ ۲-۵ خلاصه پژوهش
۶۵ ۳-۵ خلاصه نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش
۶۵ ۱-۳-۵ فرضیه اول
۶۶ ۲-۳-۵ فرضیه دوم
۶۷ ۳-۳-۵ فرضیه سوم
۶۸ ۴-۳-۵ فرضیه چهارم

۶۹ فرضیه پنجم. ۵-۳-۵
۷۱ فرضیه ششم. ۶-۳-۵
۷۲ فرضیه هفتم. ۷-۳-۵
۷۲ فرضیه هشتم. ۸-۳-۵
۷۳ فرضیه نهم. ۹-۳-۵
۷۴ فرضیه دهم. ۱۰-۳-۵
۷۴ پیشنهادات ۴-۵
۷۵ محدودیت‌ها ۵-۵
۷۴ فهرست منابع
۷۵ الف. منابع فارسی
۸۱ ب. منابع انگلیسی

فهرست جداول

۴۲ جدول ۱-۲
۵۷ جدول ۱-۴
۵۹ جدول ۲-۴
۵۹ جدول ۳-۴
۶۰ جدول ۴-۴
۶۰ جدول ۵-۴
۶۰ جدول ۶-۴
۶۰ جدول ۷-۴
۶۰ جدول ۸-۴
۶۳ جدول ۹-۴

۶۴	جدول ۴-۱۰
۶۵	جدول ۴-۱۱
۶۶	جدول ۴-۱۲
۶۶	جدول ۴-۱۳
۶۷	جدول ۴-۱۴
۶۷	جدول ۴-۱۵
۶۸	جدول ۴-۱۶

فهرست نمودارها

۵۶	نمودار ۴-۱
۵۶	نمودار ۴-۲

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه

امروزه تقریباً تمام کسانی که طرفدار توسعه و اصلاحات هستند در همه جای دنیا از نظام آموزشی خود شروع می‌کنند. بنابراین ضرورت دارد که در بسیاری از ابعاد نظام آموزشی، به ویژه در نقش دانشجویان در فرایند یاددهی - یادگیری تغییراتی ایجاد شود. در تعلیم و تربیت جدید نقش سنتی استاد و دانشجو به کلی دگرگون شده است. در عصر انفجار اطلاعات تأکید نظام آموزشی بر انتقال دانش نیست چرا که حجم اطلاعات به گونه‌ای است که اگر فردی تمام عمر خود را به مطالعه و پژوهش در یک شاخه از علوم اختصاص دهد کافی نمی‌باشد. بنابراین نظام آموزشی باید به جای پرداختن به مواد درسی به کل انسان بپردازد و به تمام ابعاد زندگی او توجه کند و به جای تأکید زیاد به محتوا و اطلاعات باید به تربیت یادگیرندگانی که احساس ارزش و خودباوری دارند بپردازد.

موفقیت در یادگیری با طبیعت پیچیده‌اش همواره توجه و نگرانی نظام‌های آموزشی را به همراه داشته است. نظام‌های آموزشی در چاره‌جویی و فائق آمدن بر عدم موفقیت فراگیران در یادگیری، همواره دست به اصلاحاتی در سطوح مختلف تحصیلی در چارچوب مدرسه، دانشگاه، کلاس و کتاب درس زده‌اند. اما متأسفانه این اصلاحات قرین به موفقیت نبوده‌اند چون اصلاحات فوق همواره متمرکز بر محتوای دروس و در چارچوب کلاس درس بوده است (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۹). در حالی که برای به بار نشستن اصلاحات آموزشی علاوه بر انجام اصلاحات در زمینه محتوا، لازم است اصلاحاتی در زمینه فرایند یادگیری صورت گیرد. عملکرد تحصیلی دانشجویان و همچنین خودتنظیمی آنها در امر یادگیری و تحصیل و بررسی عوامل مؤثر بر آنها، موضوع مهمی است که بخش عمده‌ای از پژوهش‌های علوم تربیتی را به خود اختصاص داده است. برنامه‌ی درسی، دانشگاه، محتوای درس، شیوه‌های تدریس و هوش، از عواملی هستند که می‌توانند تأثیر گذار باشند. در گذشته هوش منطقی خیلی مورد توجه محققین بوده است اما با گذشت زمان محققین پی بردند که مؤلفه‌های دیگر، به ویژه هوش معنوی می‌تواند تأثیرگذارتر باشد، چون هوش معنوی به عنوان هوشی جدیدتر و کامل‌تر است که هوش عاطفی و هوش منطقی را دربر می‌گیرد (جوادی، ۱۳۹۰).

۱-۲ بیان مسأله

عملکرد تحصیلی دانشجویان یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی آموزش عالی است و تمام کوشش‌ها و تلاش‌های این نظام، در واقع برای بهبود این امر می‌باشد. با توجه به اینکه میزان پیشرفت و افت تحصیلی یکی از ملاک‌های کارآیی آموزش عالی است، کشف و مطالعه متغیرهای تأثیرگذار بر عملکرد تحصیلی، به شناخت بهتر و پیش‌بینی متغیرهای مؤثر در آموزش عالی می‌انجامد (علی بخشی و زارع، ۱۳۸۹). حساسیت نظام آموزش عالی از یکسو و پیچیدگی جهان امروز از سوی دیگر، مدیران، اساتید و مربیان

آگاه‌تری را طلب می‌کند، تا زمینه رشد جمعی و عملکرد بهتر تحصیلی را فراهم کنند (مردعلی و کوشکی، ۱۳۸۷).

مطالعه عوامل موثر بر عملکرد تحصیلی طی سه دهه اخیر بیش از پیش مورد توجه متخصصان نظام آموزش عالی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهشی متعددی نشان داده‌اند که عملکرد تحصیلی هم از ساختارهای دانش و فرایندهای پردازش اطلاعات تاثیر می‌پذیرند، هم از "خودتنظیمی" (باتلر و وین^۱، ۱۹۹۵؛ نقل در سلیمان نژاد و شهرآرای، ۱۳۸۰). یادگیری خودتنظیمی، بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ی عملکرد تحصیلی است (میلر، ۲۰۰۰).

در پژوهشی که مردعلی و کوشکی (۱۳۸۷) به بررسی رابطه خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی پرداخته بودند نتایج نشان داد، که خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی، رابطه‌ی معنادار دارد.

یکی از مفاهیم مطرح در روان‌شناسی تربیتی و شناختی معاصر یادگیری خودتنظیمی است. فرد با تحسین و تشویق یا سرزنش و انتقاد از خود، خویشتن را تقویت و یا تنبیه می‌کند. بنابراین رفتار به خاطر نتایج آن حفظ می‌شود و صرفاً از طریق تقویت‌های بیرونی و محیطی کنترل و تنظیم نمی‌شود بلکه افراد به خاطر رسیدن به معیارها و اهدافی که برای خود در نظر گرفته‌اند خود را تقویت می‌کنند که این معیارها و اهداف یک عامل انگیزشی برای رفتار و اعمال می‌باشند و این فرایند «تقویت خود» نام دارد (امینی، ۱۳۸۲). خودتنظیمی یکی از فرآیندهای مهم در یادگیری است که در نظریه شناختی - اجتماعی از سوی آلبرت بندورا در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد (کدیور، ۱۳۸۰؛ ص ۵۵). خودتنظیمی به این نکته اشاره می‌کند که چگونه فراگیران شخصاً فرآیند یادگیری خود را فعال می‌کنند، تغییر می‌دهند و یا آن را حفظ می‌کنند (زیمرمان^۲، ۱۹۸۶؛ نقل در امینی، ۱۳۸۲).

آموزش راهبردهای خودتنظیمی یا به عبارتی خودتنظیم‌گر نمودن یادگیرندگان در فرآیند یادگیری، منجر به افزایش عملکرد تحصیلی دانشجویان در حوزه‌های مختلف می‌شود و مهم‌تر اینکه اثر ایجاد شده در طول آموزش تقریباً پایدار و در مقابل فراموشی مقاوم است (متلر^۳، ۱۹۹۴؛ و فولادچنگ، ۱۳۸۲؛ نقل در صمدی ۱۳۸۷). آلبرت بندورا^۴ در بررسی یادگیری خودتنظیمی، فراگیران را به عنوان شرکت‌کننده-های فعال از نظر فراشناختی، شناختی و انگیزشی در فرآیند یادگیری می‌داند. (بندورا، ۱۹۶۰؛ نقل در فرهمینی‌فراهانی و همکاران، ۱۳۸۷). مطالعه نقش هوش در خودتنظیمی از حوزه‌های مورد علاقه پژوهشگران طی چند دهه اخیر بوده است. الکساندر، کار و شواننفلوگل^۵ (۱۹۹۵) پی بردند که دانش-آموزان تیزهوش از مهارت‌های فراشناختی، شناختی و انگیزشی بیشتری نسبت به همسالان غیر تیزهوش خود برخوردارند (نقل در سیف، ۱۳۹۰). هم‌چنین عوامل مختلفی بر عملکرد تحصیلی افراد تاثیر می-

¹ Butler & Vienna

² Zymrman

³ Mettler

⁴ Albert bandura

⁵ Alexander & Carr & Schwanenflugel

گذارند که متخصصان تعلیم و تربیت آنها را به چهار دسته شامل عوامل فردی، عوامل آموزشگاهی، عوامل خانوادگی و عوامل اجتماعی تقسیم کرده‌اند. در بین عوامل فردی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر عملکرد تحصیلی افراد، هوش و توانایی ذهنی اوست (زهراکار، ۱۳۸۶).

هوش یکی از مباحث اصلی و مهم روان‌شناسی را تشکیل می‌دهد، و کسلر هوش را کلیه توانایی‌های فرد در تفکر عاقلانه و رفتار منطقی و مؤثر در سازش با محیط می‌داند (اسکوئیلر و همکاران، ۱۳۷۲). « هوش یک برچسب کلی برای گروهی از فرآیندهاست که از رفتارها و پاسخ‌های آشکار افراد استنباط می‌شود. هوش نیز موجب می‌شود که شخص به هنگام برخورد با مسائل مختلف به شیوه‌های معین رفتار کند» (پاشاشریفی، ۱۳۷۹، ص ۱۴).

«هوش به عنوان یک توانایی شناختی در اوایل قرن بیستم توسط آلفرد بینه^۱ مطرح شد. به طور کلی، هوش عبارت است از رفتارهای حل مسئله به شیوه‌های انطباقی که جهت‌گیری آن به سوی اهداف عملی است، به گونه‌ای که باعث افزایش میزان انطباق‌پذیری فرد می‌شود» (نازل^۲، ۲۰۰۴؛ نقل در ساغروانی، ۱۳۸۸، ص ۱۷). سوانسون^۳ عقیده دارد که به کارگیری راهبردهای خودتنظیمی (فراشناخت، شناخت و انگیزش)، پیامد و نتیجه هوش عمومی است (نقل در سیف، ۱۳۹۰).

یافته‌های مطالعات متعدد نشان از آن دارد که فراگیران تیزهوش در مقایسه با سایر فراگیران از راهبردهای خودتنظیمی بیشتری استفاده می‌کنند. افزون بر این، آنان در امر نظم‌دهی به یادگیری‌های خود انعطاف‌پذیری بیشتری نشان می‌دهند (برای مثال: زیمرمن و مارتینز و پونز^۴، ۱۹۹۰؛ ریز^۵، ۲۰۰۴؛ ریز و مک کاج^۶، ۲۰۰۰). مطالعات دیگری نیز در زمینه رابطه هوش و خودتنظیمی یادگیری به ویژه بعد فراشناخت انجام شده است که همگی حاکی از وجود رابطه بین این دو متغیر بوده است (برای مثال: سوانسون، ۱۹۹۰؛ سوانسون و لی^۷، ۱۹۹۲).

پس از گسترش مفهوم هوش به سایر قلمروها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های انسان، ایمونز^۸ در سال ۱۹۹۸ سازه جدیدی را با عنوان هوش معنوی مطرح کرد. هوش معنوی سازه‌های هوش و معنویت را در یک سازه ترکیب می‌کند و ساختاری جدید که با روان‌شناسی، بیولوژی، مذهب، معنویت و عرفان هم‌پوشانی دارد به وجود می‌آورد (ساغروانی، ۱۳۸۸). هوش معنوی مبتنی بر تفکر وحدت بخش مغز است. هوشی که از طریق آن مسائل مربوط به معنا و ارزش‌ها را حل می‌کنیم، هوشی که فعالیت‌ها و زندگی ما را در زمینه‌ای

¹Alfredbine

²Nasel

³Swanson

⁴Martinez & Pons

⁵Reis

⁶Mccoach

⁷Lee

⁸Emmons

وسیع‌تر، غتی‌تر و معنادار قرار می‌دهد، هوشی که به ما کمک می‌کند بفهمیم کدام اقدامات یا کدام مسیر معنادارتر از دیگری است (زهار و مارشال^۱، ۲۰۰۰؛ نقل در فرهنگی و همکاران، ۱۳۸۸).

مک هاوک^۲ (۲۰۰۰؛ نقل در عبدالله زاده و همکاران، ۱۳۸۸) معتقد است حرکت به سمت خودشکوفایی، "خودتنظیمی" و رشد معنوی، می‌تواند به "هوش معنوی" مربوط باشد. افراد با هوش معنوی بالا محیط کار را به عنوان مکانی برای "خودنظم‌دهی"، اعتماد به نفس، هدایت خود و یادگیری بهتر می‌دانند (ساغروانی، ۱۳۸۸، ص ۸). در فرهنگ لغت وبستر، هوش معنوی شامل توانایی فهمیدن، به کار بردن دانش ماهرانه، هدایت خود و محیط شخصی را زیر نفوذ خود درآوردن تعریف می‌شود (عبدالله زاده و همکاران، ۱۳۸۸). هوش معنوی به افراد کمک می‌کند که هنگام مواجهه با فشارهای روحی، محیط را تحت کنترل خود درآورده آن را بهتر تنظیم و اداره نمایند و باعث می‌شود که در زمینه‌های مختلف "تحصیلی" عملکرد بهتری داشته باشند (ساغروانی، ۱۳۸۸، ص ۹۹).

دسروسیرس و میلر^۳ (۲۰۰۷)، در پژوهشی روی نمونه ۶۱۵ نفری از دختران جوان نشان دادند که کسانی که از اعتقادات معنوی قوی برخوردارند، نسبت به مقابله با فشارهای روانی، "خودتنظیمی"، "عملکرد تحصیلی"، از نیروی بیشتری برخوردارند (نقل در حیدری و همکاران، ۱۳۸۸). مک هاوک معتقد است که خودتنظیمی، مسئولیت‌پذیری، مهربانی و ماهیت استوار از جمله ویژگی‌هایی است که در هوش معنوی رشد یافته دیده می‌شود (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶). اخیراً بحث هوش معنوی در تمام حوزه‌های مختلف، اجتماعی، فردی، سازمانی و ... مطرح شده است و علت تحقیقات فزاینده نیز در این زمینه مشاهده تأثیر چشمگیر معنویت و هوش معنوی در عملکرد افراد می‌باشد (ساغروانی، ۱۳۸۸). به نظر می‌رسد هوش معنوی عامل مهمی در نظم‌دهی افراد و همچنین بهبود عملکرد تحصیلی آنان می‌باشد. با توجه به اینکه هوش معنوی، بخصوص در سازمان‌های آموزشی به لحاظ نقش مهمی که در موفقیت فرد دارد از جایگاه ویژه و حساسی برخوردار است، همچنین دانشجویان هر جامعه از یکسو عاملین اصلی تولیدات علمی و پیشرفت آن جامعه هستند و همچنین نقش هوش معنوی در شناخت وجودی انسان و نقش محوری آن در به کارگیری ظرفیت‌های معنوی انسان از سوی دیگر، مطالعه هوش معنوی در دانشجویان را به عنوان زمینه پژوهشی مهمی مطرح می‌کند این سؤال مطرح می‌شود که در سازمان‌های آموزشی که خود مدعی شکل‌دهی به معنویت در فراگیران هستند، بین هوش معنوی با خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی چه رابطه‌ای وجود دارد؟

¹ Zohar & Marshall

² Mak hawk

³ Desrosiers & Miller

۱-۳ اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به مطالعه محقق، در ایران تحقیقات خیلی کمی پیرامون هوش معنوی انجام شده است. همچنین اینکه هوش معنوی، هوشی کاملاً نو و منحصر به فرد با نگاهی کل‌نگر به زندگی انسان و دربرگرفتن همه هوش‌ها دغدغه اصلی روان‌شناسان این حوزه می‌باشد. و با توجه به اینکه خودتنظیمی و هدایت خود، افراد یک جامعه به ویژه قشر جوان و تحصیل کرده و همچنین عملکرد تحصیلی این قشر در سعادت و پیشرفت یک جامعه نقش بسزایی دارد، این طرح جلوه‌ی خاصی به خود گرفته است. از آنجایی که هوش معنوی بر خلاف همه هوش‌ها رسالتی متفاوت دارد، همگرایی افراد (مشارکت گروهی) را به نحو مطلوبی افزایش می‌دهد، فرصت مناسبی است که کاربرد عملی این هوش را در نظام‌های آموزشی و سازمان‌های مختلف که روش کار آنها به شکل گروهی انجام می‌گیرد (مثل پروژه‌های تحقیقاتی سازمانها، پژوهش‌ها و تحقیقات دانشجویی و...)، بیشتر به کار بندیم. برنامه‌ریزان درسی می‌توانند به منظور توجه به هوش معنوی که به نظر می‌رسد می‌تواند با خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی رابطه داشته باشد قسمتی از محتوای دروس را به پرورش هوش معنوی اختصاص دهند. شناخت احتمالی رابطه بین متغیرهای هوش معنوی با خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی دانشجویان، سیاست‌گذاران آموزشی را به لزوم اهمیت فرآیندهای پویایی درون‌گروهی دانشجویان و استفاده از آن در جهت بهبود عملکرد تحصیلی بهتر آنان واقف خواهد ساخت. شناخت ارتباط بین متغیرهای مذکور دانشجویان را به این آگاهی خواهد رساند که خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی آنها متأثر از همدیگر بوده و ارتقای آموزشی و ارائه راهبردهای نو و تازه به تنهایی امکان‌پذیر نیست. علاوه بر مراکز آموزشی، یافته‌های تحقیق حاضر می‌تواند مورد استفاده سایر سازمان‌ها و پژوهشگران قرار گیرد. با توجه به کمبود پژوهش در زمینه بررسی ارتباط بین این سه متغیر، بررسی وجود یا عدم وجود این رابطه ضرورت دارد. در تمام کشورها سالیانه سهم زیادی از درآمد ملی صرف آموزش عالی می‌شود اما بخش زیادی از هزینه‌ها به هدر می‌رود. یکی از مواردی که همواره مورد توجه اساتید و اولیاء دانشجویان است عملکرد تحصیلی یادگیرندگان می‌باشد. لازمه تحول در آموزش عالی توجه به جنبه‌های معنوی، شناختی، فراشناختی، و انگیزشی در برنامه‌ی درسی است. ابعاد شناختی، فراشناختی و انگیزشی ابعاد خودتنظیمی هستند که یکی از جنبه‌های مهم برنامه‌ی درسی است که متأسفانه در نظام آموزش عالی نادیده گرفته می‌شود (امینی، ۱۳۸۲). در عصر انفجار اطلاعات، پرورش افراد با هوش معنوی بالا، خودتنظیم و همچنین افرادی که خود بتوانند به صورت مستقل به یادگیری بپردازند بسیار مهمتر از انتقال حجم عظیمی از دانش است. به نظر می‌رسد که هوش معنوی به عنوان زیربنای باورهای فرد نقش اساسی را در زمینه‌های گوناگون به ویژه خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی ایفا کند. همچنین هوش معنوی می‌تواند بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و منابع معنوی باشد که کاربرد آنها در زندگی باعث خودتنظیمی افراد می‌شود. از طرفی دیگر نیاز ملی هر جامعه است که سطح خودتنظیمی یا هدایت خود و همچنین عملکرد تحصیلی در افراد جامعه و به خصوص قشر دانشجوی آن افزایش یابد.

۴-۱ اهداف

۴-۱-۱ هدف اصلی

هدف اصلی این تحقیق عبارت است از: « تبیین رابطه بین هوش معنوی با خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دوره‌ی کارشناسی ارشد».

۴-۱-۲ اهداف فرعی

اهداف فرعی تحقیق متوجه بررسی متغیرهای تعدیل‌کننده شامل جنسیت و رشته‌ی تحصیلی است. اهداف فرعی تحقیق عبارتند از:

- مقایسه هوش معنوی دانشجویان دختر و پسر دوره‌ی کارشناسی ارشد.
- مقایسه هوش معنوی دانشجویان رشته‌های مختلف دوره‌ی کارشناسی ارشد.
- مقایسه خودتنظیمی در دانشجویان دختر و پسر دوره‌ی کارشناسی ارشد.
- مقایسه خودتنظیمی دانشجویان رشته‌های مختلف دوره‌ی کارشناسی ارشد.
- مقایسه عملکرد تحصیلی دانشجویان دختر و پسر دوره‌ی کارشناسی ارشد.
- مقایسه عملکرد تحصیلی دانشجویان رشته‌های مختلف دوره‌ی کارشناسی ارشد.

۵-۱ فرضیات

۵-۱-۱ فرضیات اصلی

- ۱- بین هوش معنوی و خودتنظیمی رابطه وجود دارد.
- ۱-۱: بین هوش معنوی و بعد فراشناخت رابطه وجود دارد.
- ۲-۱: بین هوش معنوی و بعد شناخت رابطه وجود دارد.
- ۲- بین هوش معنوی و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد.

۵-۱-۲ فرضیه‌های فرعی

- ۱- بین هوش معنوی در دو جنس تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین هوش معنوی دانشجویان در رشته‌های مختلف تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین خودتنظیمی در دو جنس تفاوت وجود دارد.

۴- بین خودتنظیمی دانشجویان در رشته‌های مختلف تفاوت وجود دارد.

۵- بین عملکرد تحصیلی در دو جنس تفاوت وجود دارد.

۶- بین عملکرد تحصیلی دانشجویان در رشته‌های مختلف تفاوت وجود دارد.

۱-۶ تعریف متغیرهای پژوهش

۱-۶-۱ تعاریف نظری

هوش معنوی: هوش معنوی توانایی به کارگیری و بروز منابع، ارزش‌ها و کیفیت‌های معنوی در زندگی است به گونه‌ای که بتواند کارکرد درونی، آسایش و سلامت جسمی و روحی را ارتقا دهد (آمرام^۱، ۲۰۰۹).

خودتنظیمی: به فعالیت‌های رفتاری، شناختی، فراشناختی و انگیزشی که دانش‌آموزان در جریان یادگیری‌شان سهمیم هستند گفته می‌شود (زیمرمن، ۱۹۹۸).

عملکرد تحصیلی: به معنای مقدار یادگیری آموزشگاهی فرد است به طوری که بتوان آنها را در دو مقوله کلی عوامل مربوط به تفاوت‌های فردی و عوامل مربوط به نظام آموزشی مورد مطالعه قرار داد (صمدی، ۱۳۸۳).

۱-۶-۲ تعاریف عملیاتی

هوش معنوی: نمره‌ای است که دانشجویان از پرسش‌نامه‌ی ۲۹ گویه‌ای هوش معنوی کینگ^۲ که در ایران توسط عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۸۷) هنجاریابی شده، کسب کرده‌اند. این پرسشنامه بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت طراحی شده است.

خودتنظیمی: نمره‌ای است که دانشجویان از پرسش‌نامه‌ی بوفارد^۳ (۱۹۹۵) اخذ کرده‌اند.

عملکرد تحصیلی: برای سنجش عملکرد تحصیلی دانشجویان از معدل کل آنها در دوره کارشناسی ارشد استفاده شد.

¹ Amram

² King

³ Bouffard